



مرد جنایتکار اموال همسرش را با سند سازی فروخت

کامران علمدهی / مردی که پس از کشتن همسرش اموال او را فروخته بود در حالی به چوبه دار نزدیک شد که با شکایت خانواده مقتول از جنبه جعل اسناد و کلاهبرداری محاکمه شد.



کامران علمدهی / مردی که پس از کشتن همسرش اموال او را فروخته بود در حالی به چوبه دار نزدیک شد که با شکایت خانواده مقتول از جنبه جعل اسناد و کلاهبرداری محاکمه شد.

به گزارش «ایران»، خرداد سال ۹۳ خبر ناپدید شدن زن جوانی به نام مرجان به پلیس اعلام شد. نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد وی با مردی به نام محمود ازدواج کرده است اما اختلاف زیادی با هم داشتند. وقتی مأموران به سراغ همسر وی رفتند محمود مدعی شد همسرش را طلاق داده و خبری از او ندارد.

شد و با ادعایی تازه عنوان کرد: از آنجایی که مرجان حدود ۱۵۰ میلیون تومان به من بدهکار بود این اموال را وکالتی به نام من کرده است تا حسابش را تسویه کند. البته مرجان سابقه خودکشی هم داشته و ممکن است بلایی سر خودش آورده باشد.

در ادامه کارآگاهان دریافتند هیچ سند طلاق برای این زوج در هیچ یک از دفترخانه‌ها ثبت نشده و اسناد فروش اموال جعلی است. با روشن شدن این موضوع محمود به ناچار لب به اعتراف گشود و به قتل مرجان اعتراف کرد و گفت: ما از ابتدای عقدمان با هم مشکل داشتیم و روز حادثه وقتی با هم بحث کردیم من جلوی دهانش را گرفتم تا ساکت شود اما او بیهوش شد و من هم با شال خودش خفه‌اش کردم و بعد هم به خواهرزاده‌ام زنگ زدم و موضوع را به او گفتم و به اتفاق هم جسد مرجان را در یکی از روستاهای فیروزکوه که خانه‌ای قدیمی متعلق به عمویم بود دفن کردیم و بعد هم به مادرش که پیگیر او بود گفتم از هم جدا شده‌ایم.

پس از اعترافات متهم، وی در دادگاه محاکمه شد و قضات بر اساس مستندات و مدارک موجود در پرونده متهم را به قصاص محکوم کردند و حکم از سوی دیوان عالی کشور هم مهر تأیید

هشدار پلیس به دارندگان سلاح غیرمجاز

جانشین فرمانده فراجا بر ضرورت جمع آوری سلاح‌های غیرمجاز و برخورد با استفاده غیرمجاز از سلاح مجاز تأکید کرد. سردار قاسم رضایی در حاشیه بازدید از فرماندهی انتظامی شهرستان شادگان در استان خوزستان گفت: در سفر رئیس جمهور به خوزستان مواردی مطرح شد مبنی بر اینکه مردم دغدغه آرامش دارند و بعضاً ناهنجاری‌هایی همانند تیراندازی‌های بی‌مورد انجام می‌شود که باعث نگرانی خانواده‌ها شده، آنچه مهم است داشتن سلاح غیرمجاز و اقداماتی نظیر خرید، فروش، حمل و نگهداری آن جرم است و تیراندازی در مراسم عروسی و عزا؛ فرهنگ و آداب و رسوم نیست بلکه یک بدعت

۳ هزار دلار برای آزادی کارگر رستوران

گروه حوادث / مردان ناشناس پس از ربودن پسر ۱۳ ساله در ازای آزادی او ۳ هزار دلار از خانواده‌اش درخواست کردند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۳۰ فروردین امسال، مردی افغانستانی به پلیس رفت و ناپدید شدن فرزندش را گزارش کرد. با شکایت مرد میانسال، به دستور بازپرس عظیم سهرابی تحقیقات آغاز و کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شدند. در ادامه تحقیقات کارآگاهان به محل کار پسر ربوده شده که یک رستوران بود، رفتند. یکی از همکاران او به مأموران گفت: ۲۸ فروردین آخرین باری بود که همکارم را دیدم؛ به من گفت میهمان خانه یکی از هم ولایتی هایش است. بررسی‌ها برای آزادی پسر ربوده شده و دستگیری عاملان این آدم ربایی به دستور بازپرس شعبه نهم دادسرای امور

خورد و متهم در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت.

محاکمه برای اسناد جعلی

بدین ترتیب مرد اعدامی برای رسیدگی به اتهام‌هایی چون استفاده از سند مجعول، معاونت در جعل سند، کلاهبرداری، انتقال اموال دیگری به غیر، سرقت عابر بانک مقتول به همراه ۶ همدستش در شعبه دوم دادگاه کیفری محاکمه شد. ابتدا مادر مقتول به جایگاه رفت و با تکرار اظهاراتش عنوان کرد: داماد سابقم دخترم را بی‌رحمانه کشت و بعد هم اموالش را با جعل سند فروخت. آنها ۳ ماه پس از قتل دخترم حتی به خانه‌ای که ۳ دانگ آن به نام من و نیمی هم به اسم دخترم بود هم رحم نکردند و آن را با سندسازی از من گرفتند.

قاضی از متهم خواست در این باره توضیح دهد که گفت: وقتی همسرم را کشتم ۳ ماه طول کشید تا پلیس به ماجرا پی برد و دستگیر شوم و در این مدت از سوی یکی از بستگانم به فردی به نام قاسم که حالا هم یکی از متهمان پرونده است معرفی شدم و او برای تنظیم وکالتنامه ویلا و خودروی همسرم از من ۳۲ میلیون گرفت و ۵۰۰ هزار تومان هم برای طلاق‌نامه دریافت کرد. او از ابتدا می‌دانست همسرم را کشته‌ام. در ادامه قاسم به جایگاه رفت و گفت: من اتهام‌هایم را قبول

حادثه در حادثه

تشییح پیکر شهید شهرکی و همسرش



پیکر پاک و مطهر شهیدان سرهنگ علیرضا شهرکی رئیس پلیس آگاهی سراوان و همسرش شهیده نرجس صیاد در زابل صبح روز گذشته با حضور مسئولان و اقشار مختلف مردم تشییع و در گلزار شهدای این شهر به خاک سپرده شدند.

به گزارش ایرنا، ساعت هفت و ۱۰ دقیقه دهم اردیبهشت سرگرد شهید شهرکی و همسرش در حالیکه سوار بر خودرو در یکی از خیابان‌های شهرستان در حال تردد بودند، توسط معاندان به صورت ناجوانمردانه ترور شدند.

حوادث جهان

کشف ۷ جسد در خانه آمریکایی

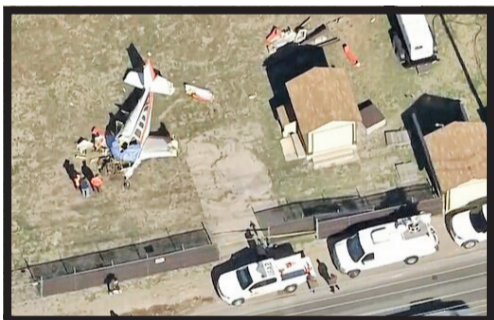
مقامات پلیس ایالتی آمریکا اعلام کردند در جریان عملیات جست‌وجو برای پیدا کردن دو دختر نوجوان گمشده، ۷ جسد در خانه‌ای در ایالت اکلاهامای این کشور پیدا شده است.

به گزارش بی‌بی‌سی، مقامات پلیس ایالتی همچنین معتقدند دو دختر ۱۴ و ۱۶ ساله که گم شده بودند نیز در میان کشته‌شدگان هستند.

همچنین جسد «جسی مک‌فادن» مجرم جنسی دارای پرونده کیفری که به گفته پلیس این دختران همراه او سفر می‌کردند نیز پیدا شده است.

مقامات پلیس ایالتی تاکنون علت مرگ‌ها را اعلام نکرده‌اند.

۳ کشته در سقوط هواپیما



مقامات ایالتی آمریکا اعلام کردند در پی سقوط یک فروند هواپیمای سبک در منطقه مسکونی «بیگ‌بر» در کالیفرنیا سه نفر کشته شدند.

به گزارش لس‌آنجلس تایمز، این حادثه حدود ساعت دو بعدازظهر روز دوشنبه رخ داده و تاکنون گزارشی در مورد علت سقوط این هواپیمای سبک منتشر نشده است.

تصادف زنجیره‌ای به خاطر طوفان



وقوع طوفان شدید گرد و خاک در یکی از بزرگراه‌های ایالت ایلینوی آمریکا، منجر به تصادف زنجیره‌ای چندین وسیله نقلیه شد و بر اثر این حادثه دست‌کم ۶ نفر کشته و ده‌ها نفر دیگر زخمی شدند.

به گزارش شینخوا، منابع داخلی می‌گویند در این حادثه بیش از ۳۰ نفر مصدوم شده‌اند.

این حادثه روز دوشنبه رخ داده و حدود ۸۰ وسیله نقلیه سبک و سنگین در این تصادف زنجیره‌ای خسارت دیده است، از جمله دو تریلی که دچار حریق شدند.

منابع محلی می‌گویند: شدت گرد و غبار به حدی بود که میدان دید رانندگان به چند متر محدود شده و در برخی نواحی میدان دید افقی تقریباً صفر بوده است.

اجاره ساعتی خانه به خلافکاران



مرضیه همایونی / راز زن جوان که خانه‌اش را ساعتی به خلافکاران اجاره می‌داد با دستگیری سارق خانه‌های ویلایی برملا شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل یک مجرم سابقه‌دار به اتهام سرقت سرریالی از خانه‌های تهران دستگیر شد. متهم زمانی که مقابل افسر پرونده نشست نه تنها به سرقت‌های سرریالی از خانه‌ها اعتراف کرد، بلکه راز خانه‌ای را برملا کرد که پاتوق خلافکاران بود.

او گفت: چند وقت قبل در فضای مجازی با دختر جوان و پولداری آشنا شدم. وقتی به او پیشنهاد ازدواج دادم تنها یک شرط برای ازدواج گذاشت و آن این بود که کارهای خلاف نکنم. به خاطر عشقی که به ملیکا داشتم تصمیم گرفتم توبه کنم و دور خلاف را خط بکشم. متهم ادامه داد: چون پلیس در تعقیب من بود باید هویتم را تغییر می‌دادم و بعد ازدواج می‌کردم. برای این کار دوستانم زنی به نام شهره را به من معرفی کردند. شهره خانه‌اش را به پاتوقی برای خلافکاران تبدیل کرده بود. به سراغش رفتم و قرار شد برای تغییر هویتم یک جاعل به من معرفی کند. ۲۰ میلیون تومان پیش‌پرداخت شدم. حالا، هم گرفتار زندان شده‌ام و هم ملیکا را از دست دادم. چون شهره را عامل بدبختی خود می‌دانستم او را لو دادم. به دنبال اعترافات این سارق، پس از آن هم‌هانگی‌های لازم با بازپرس دادسرای ویژه سرقت، کارآگاهان وارد عمل شده و شهره را بازداشت کردند. با حضور مأموران به خانه شهره، چند مرد خلافکار که جرایم مختلفی در پرونده خود داشتند نیز به دام افتادند.

گفت‌وگو با زن خلافکار

چرا خانه‌ات را به خلافکاران اجاره می‌دادی؟ من یک خانه قدیمی در جنوب تهران دارم. در آن روز زیاد تا سندهای خودرو من هم کار قانونی کردم. قاضی پرسید: شما مطمئن بودی که آن خانم همسرش بود؟ من نمی‌توانم که هرکسی به ما مراجعه می‌کند را احراز هویت کنم یا از او آزمایش DNA بگیرم. من از کجا باید می‌دانستم که محمود جنایتی مرتکب شده و قصد دارد اموال همسرش را به نام خودش کند. بعد از اظهارات قاسم، محمود بار دیگر به جایگاه رفت و گفت: قسم می‌خورم که آن روز هیچ زنی را به جای همسرم جا نزدیم و او برای فرار از مجازات دروغ می‌گوید. سایر متهمان نیز یک به یک به جایگاه رفتند و عنوان کردند اصلاً در جریان ماجرای قتل نبودند.

پس از اظهارات متهمان، قاضی به محمود گفت: اگر پشیمان شده‌ای سعی کن برای آخرین دفاعیاتت حقایقی را که تاکنون نگفته‌ای بگویی. متهم جواب داد: من ممکن است تا یک ماه دیگر اعدام شوم و امیدوی به زنده بودن ندارم فقط می‌خواهم حقایق بازگو شود تا همه بدانند که بخشی از اتهام‌هایی که به من نسبت داده شده به خاطر افرادی است که فقط به فکر منافع‌شان بودند. با پایان اظهارات متهمان، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

آن منطقه افراد پولدار زیاد پیدا نمی‌شود و اغلب خلافکارها پولدار هستند. من هم اتاق‌های خانم را به آنها اجاره می‌دادم تا پول خوبی بگیرم و برای خودم سکه و طلا بخرم. کلاهبردار، جاعل، متهم فراری، افرادی که می‌خواهند خلافی مرتکب شوند و به دنبال محلی هستند تا دور هم جمع شوند و نقشه و برنامه خلافشان را طراحی کنند، معتادان، موادفروشان و حتی سارقان در خانه من پاتوق می‌کنند.

خودت هم خلاف می‌کردی؟

من عاشق درس و مدرسه بودم و نمرات بالایی داشتم اما ۱۶ سالم که شد پدرم مرا به یک خلافکار شوهر داد. مرد قاچاقچی که چند سال بعد به اتهام حمل و نگهداری مواد مخدر بازداشت و در نهایت اعدام شد. با اعدام شوهرم جایی برای ماندن در شهرمان نداشتم و راهی تهران شدم. چند روزی در تهران سرگردان بودم تا اینکه به دام یک باند گرفتار شدم. آنها دختران و زنان جوان را طعمه مردان ثروتمند می‌کردند تا اخاذی کنند. من نیز در کنار اخاذی، جیب‌بری هم می‌کردم، اما با سارقان دیگر فرق داشتم و پول‌هایی که از کار خلاف به دست می‌آوردم سکه و دلار می‌خریدم. کمی که پول‌هایم جمع شد برای خودم همین خانه را خریداری کردم و مدتی بعد هم به زندان افتادم، اما آزاد که شدم تصمیم گرفتم خانه‌ام را به خلافکاران اجاره بدهم.